طرح شکایت‌های تازه در سرقت مسلحانه از زنان راننده

اعضای شبکه سارقان مسلح که با حمله به زنان راننده دست به سرقت می‌زدند با طرح شکایت‌های تازه مواجه شدند.

به گزارش خبرنگار ما، جزئیات دستگیری سه سارق مسلح روز شنبه ۱۸ دی ماه در این صفحه چاپ شد. نخستین شکایت از متهمان روز ۱۳ آذر ماه امسال از سوی زن جوانی در اداره پلیس مطرح شد. سارقان خشن در پوشش مسافرکش تمامی طلاها، ۳۰۰ هزار تومان پول نقد و کارت عابربانکی که ۱۳ میلیون تومان پول داشته است، سرقت کرده‌اند. در حالی که تحقیقات برای دیگر شاکیان احتمالی از سوی کارآگاهان ادامه دارد، صبح دیروز دو شاکی جدید به دادسرا رفتند و ماجرای سرقت را شرح دادند.

■ سرقت از خانم دکتر با ضربات چاقو

یکی از شاکیان که خودش را دکتر داروساز معرفی کرد، گفت: چند روز قبل خودروی شاسی بلند خارجی خریدم. روز حادثه پس از پایان کارم با خودروام به طرف خانه‌ام به راه افتادم. وقتی وارد بزرگراه شهید حقانی شدم خودروی پرایدی از پشت با خودروام تصادف کرد. من خودروام را کنار بزرگراه متوقف کردم و از خودرو پیاده نشدم و قصد داشتم موضوع تصادف را تلفنی به مأموران پلیس خبر بدهم که ناگهان دو مرد مسلح که یکی چاقو در دست داشت و دومی مسلح به اسلحه کمری بود به سراغ من آمدند. آنها با تهدید اسلحه و چاقو از من خواستند به صندلی سمت شاگرد بروم که از ترس به صندلی شاگرد رفتم. در این لحظه مردی که چاقو داشت پشت فرمان خودروی من نشست و همدستش که اسلحه داشت در صندلی عقب نشست. در حالی که از شدت ترس دست و پایم می‌لرزید راننده خودروی مرا روشن کرد و به راه افتاد و مگان هم پشت سر ما به راه افتاد. من با خواهش و التماس خواستم مرا رها کنند، اما مردان مسلح مرا تهدید کردند که حرفی نزنم. پس از طی مسافت کوتاهی مرد مسلح اسلحه‌اش را روی شقیقه‌ام گذاشت و خواست هر چه پول و طلا دارم به همراه کارت عابرم به آنها بدهم. در حالی که گریه می‌کردم به آنها گفتم که خودروام را به تازگی خریده‌ام و هیچ پولی داخل کارت عابرم ندارم و طلا هم ندارم که ناگهان راننده با چاقو چند ضربه به دست و پایم زد. فریادم به آسمان بلند شد و از درد به خود می‌پیچیدم که دوباره تهدید کردند هر چه اموال قیمتی دارم به آنها بدهم. هر چقدر به آنها می‌گفتم که پولی ندارم فایده‌ای نداشت و سارقان خشن باور نمی‌کردند و برای اینکه مرا وادار کنند به آنها پول بدهم با چاقو مرا شکنجه می‌دادند. وی ادامه داد: در حالی که همه بدنم خونی شده بود تصمیم گرفتم برای نجات جانم خودم را از خودرو به بیرون پرتاب کنم به همین خاطر در حالی که خودرو به سرعت حرکت می‌کرد در را باز کردم و خودم را به بیرون پرتاب کردم و وقتی به هوش آمدم در بیمارستان بودم.

■ سرقت خودروی شاسی بلند زن جوان در بزرگراه صدر

شاکی دیگر که زن جوانی بود، گفت: شب حادثه با خودروی سوزوکی شاسی بلندم در بزرگراه صدر در حال رانندگی بودم که خودروی پژویی از پشت به آرامی با خودروی من تصادف کرد. بلافاصله خودروام را متوقف کردم و از خودرو پیاده شدم تا ببینم چقدر خسارت به خودروام زده‌اند که دو نفر از داخل خودروی سمند بیرون آمدند و با تهدید اسلحه و چاقو مرا به زور به داخل خودروام کشاندند. پس از این یکی از آنها پشت فرمان خودروام نشست و به راه افتاد. من خیلی ترسیده بودم که دو مرد سارق خشن با تهدید اسلحه خواستند هر چه اموال با ارزش و پول دارم به آنها بدهم. من از ترس هر چه طلا و پول داشتم به آنها دادم. دو سارق خشن پس از سرقت اموال و تلفن همراهم پس از یک ساعت گروگانگیری مرا در خیابان خلوتی از خودرو به بیرون انداختند و با خودروام از محل گریختند. تحقیقات بیشتر از متهمان در دادسرای ویژه سرقت درجریان است.

سقوط مرگبار یک مرد به زیر قطار از بخش زنان مترو

مرد جوان پس از سقوط به زیر قطار مترو در ایستگاه متروی دانشگاه شریف کشته شد.

این حادثه ساعت ۸ و ۱۹ دقیقه روز گذشته اتفاق افتاد و امدادگران بعد از حضور در محل و معاینه این مرد متوجه شدند که مرد ۳۵ ساله به علت شدت جراحت جان خود را از دست داده است. به علت وقوع حادثه حرکت قطارهای خط دو مترو دچار اختلال و متوقف شد که بعد از گذشت مدتی به حالت عادی بازگشت. در اولین خبرهای منتشر شده، جنسیت این فرد زن اعلام شده بود که روابط عمومی مترو اعلام کرد که عامل حادثه مردی بود که با ورود به بخش زنان، اقدام به خودکشی کرد.

برنج هم وارد لیست سارقان شد

گرانی برنج شبکه خشن سارقان مسلح را در بزرگراه‌های منتهی به شمال مستقر کرد!

مجرم سابق‌دار که متوجه رشد سرسام‌آور برنج در بازار شده بود، یک شبکه سرقت تشکیل داد. اعضای این باند با کمین در راه‌های منتهی به تهران به خودروهای حامل برنج حمله و محموله آنها را سرقت می‌کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۵ صبح روز دوشنبه، ۱۲ مهرماه بود که راننده یک خودروی نیسان وانت در محدوده بزرگراه بعثت، مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد را از ماجرای سرقت با خبر کرد. وی در شرح ماجرا گفت: لحظاتی قبل در حال انتقال محموله بار برنج به شهرری بودم. برای بررسی چرخ‌های خودرو برای لحظاتی کنار بزرگراه توقف کردم. همان لحظه یک خودروی پژو ۴۰۵ مشکی رنگ توقف کرد و دو سرنشین آن پیاده شدند. وقتی به طرفم آمدند، فکر کردم که به دنبال آدرس هستند، اما دیدم که چاقو و قمه به دست دارند. آنها به من حمله کردند و با چند ضربه مجروحم کردند. بعد هم خودروی نیسان را که حامل ۳۰ میلیون تومان بار برنج بود، سرقت کردند.

بعد از طرح شکایت، پرونده به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در حالی که بررسی در این باره به جریان افتاده بود، شکایت‌های مشابهی به پلیس گزارش شد. مشخصاتی که شاکیان از سارقان می‌دادند، نشان می‌داد که همه سرقت‌ها از سوی اعضای یک باند اتفاق می‌افتد. کارآگاهان بعد از بررسی شکایت‌ها متوجه شدند که اعضای این باند در گروه‌های چند نفره در بزرگراه‌های اطراف تهران پرسه می‌زنند و بعد از شناسایی خودروهای حامل بار برنج در فرصت مناسب راننده را مجروح و خودروی حامل بار را سرقت می‌کنند. شیوه دیگر سارقان این بود که با ایجاد تصادف ساختگی راننده نیسان را مجبور به توقف می‌کردند و بعد از ضرب و جرح سناریوی سرقت را رقم می‌زدند.

سه ماه بعد از طرح اولین شکایت و در حالی که تلاش پلیس با ناکامی مواجه شده بود، کارآگاهان با بررسی سوابق خریداران اموال مسروقه مواد غذایی، متوجه شدند که مجرم سابقه‌داری به نام مجید. ق ۳۸ ساله به تازگی گاراژ بزرگی در خیابان تختی اجاره کرده است. ۱۳ دی‌ماه وقتی کارآگاهان برای بازرسی در محل حاضر شدند، مجید با دیدن مأموران پا به فرار گذاشت، اما در جریان تعقیب و گریز با شلیک گلوله بازداشت شد. کارآگاهان در بررسی گاراژ چند صدتن برنج سرقتی را کشف کردند.

مجید در اولین بررسی‌ها به سرقتی بودن محموله اعتراف کرد و گفت که محموله را از مجرم سابقه‌دار معروفی به نام فخرالدین. ن ۴۰ ساله تحویل گرفته است.

■ بازداشت سرکرده

بررسی سوابق فخرالدین حکایت از این داشت که او از سال ۸۲ بارها به اتهام سرقت بازداشت شده و به زندان افتاده بود. خیلی زود مخفیگاه وی در کیانشهر شناسایی شد و چند ساعت بعد او به همراه عضو دیگر باند که محمد. ن ۳۵ ساله نام داشت، بازداشت شد. در بازرسی از مخفیگاهش بیش از ۵۰۰ کیلوگرم از برنج‌های سرقتی پیدا شد.

■ اقرار به راهزنی‌های سریالی

فخرالدین به عنوان سردسته باند در این باره گفت: از چند ماه قبل شبکه سرقت محموله‌ها را تشکیل دادم. وحید، محمد، دلاور و فرهاد هم اعضای این باند هستند. حساب سرقت‌هایی هم که در این مدت انجام دادیم از دستم در رفته است. او گفت با خودروی پژوی من یا خودروی سایر اعضای باند در بزرگراه‌های اطراف شهر مثل آزادگان، بسیج، جاده مخصوص، یاسینی و بعثت پرسه می‌زدیم. بعد از شناسایی خودروهای حامل بار برنج، مطابق نقشه وحید، دلاور و فرهاد با چاقو و قمه به راننده‌ها حمله می‌کردند و آنها را زخمی و بعد خودرو را سرقت می‌کردیم. بعد از آن محموله سرقت شده را به گاراژی که مجید در خیابان تختی اجاره کرده بود، منتقل می‌کردیم. بعد از تخلیه بار، اموال باارزش داخل خودرو را هم سرقت و نیسان را در یکی از خیابان‌ها رها می‌کردیم.

■ بازداشت اعضای دیگر باند

با اطلاعاتی که فخرالدین در اختیار پلیس گذاشت، چند ساعت بعد سایر اعضای باند وحید. ن ۲۵ ساله، قاسم. هـ ۳۸ ساله، فرهاد. ن ۲۱ ساله، فرهاد. و ۲۸ ساله، منصور. ر ۴۰ ساله و دلاور. ی ۳۴ ساله در خانه مجردی اجاره‌ای‌شان در محله شوش بازداشت شدند. از مخفیگاه متهمان مقدار زیادی لوازم سرقت شده از داخل خودروها کشف شد. بعد از آن بود که شاکیان با حضور در اداره پلیس متهمان را شناسایی کردند.

سرهنگ کارآگاه داوود فرد، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران گفت: همه اعضای باند به سرقت‌های سریالی محموله‌های برنج اعتراف کرده‌اند و دستور انتشار بدون پوشش تصاویر متهمان از سوی قاضی صادر شده است. وی از شاکیان درخواست کرد برای طرح شکایت به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند.

عامل قتل: به مقتول هشدار داده بودم

بی‌اعتمادی به پلیس و دستگاه قضایی بخش مهمی از پرونده‌های جنایی را رقم می‌زند

پسر جوانی که متهم است با همدستی پدرش، مرد مزاحم را در خانه خواهرش به قتل رسانده است، روز گذشته پای میز محاکمه حاضر شد.

به گزارش خبرنگار ما، پنجم آذرماه سال ۹۱، مردی مأموران پلیس را از ناپدیدشدن ناگهانی پسر ۲۰ ساله‌اش به نام سلمان باخبر کرد. او به پلیس گفت: سلمان روز گذشته از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت و به هر جا سر زدیم از او خبری نبود. با طرح شکایت مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند. آنها در بررسی‌ها به فهرست مکالمات تلفنی پسر جوان پرداختند و متوجه شدند او با زن جوانی به نام نرگس تماس‌های متعددی داشته است. مأموران آن زن را به عنوان مظنون بازداشت کردند و دریافتند او به شیشه معتاد است. او در جواب بازجویی‌ها گفته بود که سلمان را می‌شناسد، اما از او بی‌خبر است.

از طرح این شکایت دو سال گذشت تا اینکه در بیست و دوم مردادماه سال ۹۳ مردی با مأموران پلیس حسن‌آباد تماس گرفت و از پیدا شدن یک جنازه سوخته خبر داد. بعد از حضور مأموران، مشخص شد که از مرگ وی مدت زیادی گذشته است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی و تشخیص هویت معلوم شد جسد متعلق به همان پسر جوانی است که پدرش گم شدن او را گزارش داده بود. بعد از تأیید هویت، پدر سلمان به مأموران گفت: پسرم با کسی خصومت نداشت و فقط به نرگس مشکوک هستم.

بعد از آن بود که نرگس همراه پدرش ذبیح‌الله ۵۳ساله و برادرش سعید ۲۵ساله به عنوان مظنون بازداشت شدند. آنها در تحقیقات بعدی پس از دو سال قفل سکوت را شکستند و به قتل اعتراف کردند. سعید گفت: خواهرم به شیشه معتاد شده بود و رابطه خوبی با شوهرش نداشت. به همین دلیل شوهرش او را ترک کرد. من و پدرم با تلاش زیاد نرگس را ترک دادیم و به خانه‌مان بردیم تا از او مراقبت کنیم تا اینکه یک روز متوجه شدیم نرگس از خانه فرار کرده است. با پدرم به خانه نرگس رفتیم و هر چه در زدیم کسی جواب نداد. از روی دیوار وارد حیاط خانه شدم. نرگس تا مرا دید دستپاچه شد و از خانه بیرون رفت. به محض ورود به خانه با وحید روبه‌رو شدم. قبلاً ارتباطش را با نرگس فهمیده بودم، ولی فکر می‌کردم ارتباطش را قطع کرده است. تا او را دیدم عصبانی شدم و گفتم مگر قرار نبود با نرگس کاری نداشته باشی؟ به جای شرم و عذرخواهی شروع کرد به فریاد زدن و ادعا کرد می‌خواهد به نرگس کمک کند. با این حرف عصبانی شدم و با چاقو به او دو ضربه زدم که کشته شد. بعد جسد را لای پتو پیچیدم و در صندوق عقب ماشین گذاشتم و همراه پدرم آن را به بیابان‌های فشافویه بردیم. من به تنهایی آن را آتش زدم و پدرم در کشتن و آتش زدن جسد نقشی نداشت و فقط در انتقال جسد به من کمک کرد.

نرگس هم گفت: من از ماجرای قتل خبر ندارم و نمی‌دانم که حادثه چطور اتفاق افتاد چراکه آن زمان اصلاً در خانه نبودم. ذبیح‌الله هم گفت: وقتی وارد خانه شدم حادثه اتفاق افتاده بود و من فقط در انتقال جسد به پسرم کمک کردم.

بعد از کامل شدن بررسی‌ها سعید به جرم قتل عمد و جنایت بر میت، ذبیح‌الله به اتهام معاونت در قتل و نرگس به اتهام رابطه نامشروع مجرم شناخته شد و کیفرخواست علیه‌شان صادر شد. سه متهم سپس در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی مقدم‌زهرا پای میز محاکمه حاضر شدند. مادر مقتول گفت: دو سال چشم انتظار پسرم بودم. آنها می‌دانستند چه بر سر پسرم آورده‌اند، اما سکوت کردند و حرفی نزدند. من از خون پسرم گذشت نمی‌کنم. سپس سعید در جایگاه حاضر شد و بار دیگر حادثه را شرح داد. او در آخرین دفاع گفت: من از ارتکاب قتل پشیمان نیستم چون سلمان مستحق مرگ بود. بارها به او هشدار داده بودم که رابطه‌اش را با خواهرم قطع کند، اما توجه نکرد.

ذبیح‌الله، اما معاونت در قتل را انکار کرد و گفت من هیچ نقشی در ماجرای قتل نداشتم. وقتی وارد خانه شدم حادثه اتفاق افتاده بود و فقط در حمل جنازه به پسرم کمک کردم.

هیئت قضایی بعد از شور سعید را به قصاص و ۱۵ سال حبس، ذبیح‌الله را به ۳۰ سال حبس و نرگس را به ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند. رأی دادگاه با اعتراض متهمان به دیوان عالی کشور فرستاده شد. قضات دیوان با قبول اعتراض رأی دادگاه را نقض و برای رسیدگی به شعبه دهم ارسال کردند. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده بار دیگر تشکیل شد، اما به دلیل فراهم نبودن شرایط رسیدگی تجدید شد.

مرگ ۵ زائر ایرانی در آتش‌سوزی هتل

اتصال سیم‌های برق در یکی از هتل‌های کربلا منجر به آتش‌سوزی و کشته و زخمی شدن ۱۵ زائر شد.

این حادثه روز گذشته در هتل قصر المولای کربلا اتفاق افتاد و امدادگران بعد از حضور در محل شروع به امدادرسانی کردند. بررسی‌ها نشان داد که پنج زائر ایرانی در جریان حادثه جان خود را از دست داده‌اند. ۱۰ نفر دیگر که زخمی شده بودند به بیمارستان منتقل شدند. روابط عمومی سازمان حج اعلام کرد که این کاروان به صورت آزاد و خارج از نظارت سازمان حج از استان خراسان رضوی به عتبات عالیات اعزام شده است، زائران ایرانی شب دوم استقرار خود در هتل قصرالمولای کربلا بودند که این حادثه برای آنها رخ داد. ضمن اینکه حدود ۴۰ نفر از زائران از شهر تربت حیدریه و حدود ۷۵ نفر از زائران نیز از شهر مشهد، زائران ایرانی بودند که در این هتل استقرار یافته‌اند. براساس گزارش‌ها علت حادثه اتصال سیم‌های برق اعلام شده است و بررسی‌ها در این باره جریان دارد.

مشاجره مرگبار ۲ پسر نوجوان

دعوای دو پسر نوجوان در یکی از خیابان‌های قزوین به قتل یکی از آنها منجر شد.

به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل مأموران کلانتری ۱۲ بازار قزوین هنگام گشت‌زنی در خیابان طالقانی با دیدن دعوای دو پسر نوجوان خود را به محل رساندند. خیلی زود مشخص شد یکی از آنها که پسری ۱۷ ساله بود، در جریان درگیری با ضربه چاقو مجروح شده و ضارب در حالی که چاقو به دست داشت در حال فرار از محل بود که دستگیر شد. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود، خبر رسید که پسر ۱۷ ساله در راه انتقال به بیمارستان به علت شدت جراحت جان باخته است، بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و پسر ۱۶ ساله مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت که هنگام مشاجره با مقتول درگیر شده و او را با ضربه چاقو هدف قرار داده است. سرهنگ محمد قاسم طرحانی، فرمانده انتظامی شهرستان قزوین گفت: تحقیقات بیشتر در این‌باره جریان دارد.

قاتل خاموش جان زن تنها را گرفت

بی‌احتیاطی در نصب بخاری گازسوز، مرگ خاموش زن جوان را در خیابان شکوفه تهران رقم زد.

ساعت ۱۰:۴۲ صبح دیروز حادثه مشکوک به گاز گرفتگی به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و بعد از آن تیمی از امدادگران گروه نجات، خود را به محل حادثه در خیابان شکوفه رساندند. همسایه‌ها که امدادگران را با خبر کردند گفتند که غیبت این زن طولانی شده و با توجه به اینکه تلفن همراهش در منزل زنگ می‌خورد، نگران او شده‌اند. بعد از آن بود که آتش نشانان با ورود به خانه جسد زن حدوداً ۳۵ ساله را کنار بخاری گازی پیدا کردند. بررسی تکنسین‌های اورژانس نشان داد که این زن از ساعت‌ها قبل به علت گاز گرفتگی جان خود را از دست داده است. جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی با بیان اینکه علت قطعی حادثه از سوی پزشکی قانونی بررسی و اعلام می‌شود، گفت: وقتی محل حادثه مورد بازبینی قرار گرفت، مشخص شد که استفاده از لوله آکاردئونی برای دودکش بخاری، نداشتن «کلاهک اچ» در پشت بام، جدا شدن بدنه دودکش از دیوار و بسته بودن تمامی منافذ سبب انتشار گاز سمی منوکسید کربن در فضا شده بود.

حکم قصاص برای قاتل پسر کارخانه‌دار

عامل قتل پسر کارخانه‌دار با حکم قضات دادگاه کیفری استان تهران به مرگ محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و چهارم اسفند ماه سال ۹۳ مأموران پلیس تهران از ناپدید شدن ناگهانی مردی به نام جمشید باخبر شدند. همسر وی گفت: شوهرم در کارخانه نبات‌سازی پدرش کار می‌کند. امروز صبح به محل کارش رفت، اما با رسیدن شب هر چه منتظرش ماندیم به خانه نیامد. با مشخصاتی که این زن در اختیار پلیس گذاشت، تحقیقات در این باره آغاز شد تا اینکه جسد وی در بیابان‌های حسن‌آباد قم پیدا شد. کارآگاهان در بررسی‌های بعدی عامل قتل را که مردی ۳۲ ساله به نام یاسر بود بازداشت کردند. او گفت: کارمند سازمان میراث فرهنگی هستم. در حالی که صاحب همسر و فرزند بودم به مصرف مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم. بعد از آن برای تأمین پول مواد تصمیم به سرقت گرفتم. برای این کار یک اسلحه تهیه کردم و به عنوان مسافر زورگیری می‌کردم. متهم در توضیح شب حادثه گفت: شب حادثه کنار جاده منتظر سوژه‌ای برای سرقت بودم که مقتول با خودروی خودش توقف کرد. وقتی سوار شدم با اسلحه او را تهدید کردم که مقاومت کرد به خاطر همین او را به قتل رساندم و پول‌هایش را سرقت کردم. با کامل شدن بررسی‌ها یاسر به اتهام قتل عمد و سرقت مسلحانه در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و با رأی قضات دادگاه به قصاص محکوم شد.

باشگاه حقوقی

دادگاه‌های عمومی حقوقی

■ دادگاه های عمومی حقوقی به دعاوی حقوقی و به اصطلاح مدنی رسیدگی می‌کند. شروع رسیدگی در دادگاه حقوقی، مستلزم دادن دادخواست است. هر دادگاه عمومی دارای یک قلمرو قضایی است که به آن حوزه قضایی می‌گویند و حوزه قضایی قلمرو یک بخش یا شهرستان است که دادگاه در آن قرار دارد. البته در حال حاضر حوزه قضایی تهران و بعضی شهرهای بزرگ دیگر به واحدهای متعددی تقسیم شده‌اند که تحت عنوان مجتمع نامگذاری شده‌اند. تمامی دعاوی حقوقی باید در محل اقامت خوانده دعوی (یعنی شخصی که علیه او شکایت شده) اقامه شود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. برای مثال اگر شخصی که در تهران مقیم باشد از شخصی که در شهرکرد اقامت دارد، طلبی داشته باشد، باید دادخواست مطالبه خود را در دادگاه عمومی شهرکرد اقامه کند، اما اگر فرد خوانده یا بدهکار در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاه محل سکونت موقت او شکایت صورت می‌گیرد و اگر محل سکونت موقت نیز نداشته باشد، ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوی در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن قرار دارد و اگر مال غیرمنقول هم نداشته باشد، در صورتی که شاکی مقیم ایران باشد، در محل اقامت خود اقامه دعوی می‌کند و اگر فرد شاکی مقیم ایران نیز نباشد، در هر یک از دادگاه‌های عمومی ایران می‌تواند اقامه دعوی کند.

آگهی دادگستری

خواهان **کریم شاهزایی** فرزند واژداد دادخواستی به طرفیت خوانده محمد رضا نوری به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه موتور سیکلت پیشتاز ۱۲۵ مدل ۱۳۸۶ رنگ آلبالویی مقوم پانصد هزار تومان تقدیم دادگاههای عمومی شهرستان زاهدان نموده که جهت رسیدگی به شورای حل اختلاف شماره یک مجتمع مرکزی شهرستان زاهدان واقع در زاهدان، خیابان مصطفی خمینی، جنب سازمان تعزیرات حکومتی، مجتمع شوراهای حل اختلاف استان سیستان و بلوچستان ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۰۲۰۰۶۶۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۵/۱۲/۴ و ساعت ۹ صبح تعیین شده است به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شماره ۱ مجتمع مرکزی زاهدان
عطیه شهرکی
م‌الف: ۲۹۹۰

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم

* کلاسه پرونده ۹۵۰۲۸۸ وقت رسیدگی ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ ساعت ۱۶:۳۰
*خواهان: **بخشی جان آبادی** فرزند محمد نشانی: زاهدان، خیابان دانشگاه ۱۹ پلاک ۱۹۷ *خوانده: مهدی رستمیان فرزند اکبر: نشانی مجهول المکان *خواسته: الزام به تنظیم سند رسمی *خواهان دادخواستی تسلیم این شورا نموده که به کلاسه فوق ثبت و وقت رسیدگی تعیین شده و به علت مجهول المکان بودن خوانده و به درخواست خواهان و دستوراعضای شورا و به تجویز و به ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف مدت یک ماه به دبیرخانه شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حاضر شود والا شورا رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شماره ۱۷ شهرستان زاهدان
سکینه گنجعلی
م‌الف: ۳۰۰۷

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۷۳

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت دیلمان گیل شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۴۷۵ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۱۶۹۳۴۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۵/۳/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. تراز سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب مجمع عمومی رسید. ۲.موسسه حسابرسی مدیریت و خدات آزموده کاران به شماره ثبت ۱۲۰۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ و آقای حسین علی نژاد به شماره ملی ۲۵۹۴۸۴۷۲۸۳ به عنوان ناظران اصلی شرکت به مدت یکسال انتخاب گردیدند. ۳. روزنامه جوان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. ۴. با توجه به اتمام مهلت قانونی مدیر تصفیه آقای سید جواد صفری میر محله به شماره ملی ۰۳۸۰۸۱۷۶۳۲ به نشانی رشت، خ شهید بهشتی، خ شهید گلستانی کوچه مجید دوم پلاک ۵ با کدپستی ۴۱۹۳۸۷۵۷۸۵ به عنوان مدیر تصفیه به مدت دو سال انتخاب گردید. ۵. کلیه اسناد و اوراق تعهدآور شرکت از جمله چک‌ها، قراردادها، بروات، سفته‌ها و مکاتبات اداری و عادی و غیره با امضاء مدیر تصفیه همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، تعیین سمت مدیر/ مدیران/ هیئت تصفیه، انتخاب ناظر/ ناظران/ هیئت تصفیه، تعیین وضعیت حق امضاء، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان، مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری رشت